

## مدیریت اسلامی مبتنی بر تربیت بصیرت محور

مهدی امیری / استادیار، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

m.amiri@pnu.ac.ir  [orcid.org/0000-0002-1559-2673](https://orcid.org/0000-0002-1559-2673)

m.yazdij@yahoo.com

مصطفی یزدی جوشقانی / دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

### چکیده

یکی از الزامات اساسی رهبری و مدیریت در جامعه اسلامی، داشتن بصیرت است. بصیرت موجب آگاهی و جهت‌گیری درست و منطقی در امور کاری مدیران اسلامی می‌گردد. بنابراین، مدیر اسلامی در تمام امور، باید بصیرت کافی داشته باشد. تأثیری که مدیر بصیر از لحاظ روانی بر مجموعه خود دارد، نقش تربیتی وی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. از این رو تربیت مدیران لایق و بصیر یکی از مهم‌ترین مبانی فکری و دغدغه‌های جهان اسلام از ابتدای رسالت پیامبر اکرم ﷺ بوده است و چنانچه مدیران اسلامی به درستی تربیت شوند و روش صحیح مدیریت را بیاموزند، بی‌تردید اهداف جامعه اسلامی در بسیاری از جهات محقق خواهد شد. مطالعه حاضر با هدف ارائه الگویی تربیتی مبتنی بر بصیرت برای مدیران اسلامی، با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و با استفاده از آیات و روایات قرآنی به شیوه‌ای کیفی و روش تحلیل محتوای اسنادی با استفاده از نمونه‌برگ گردآوری داده‌ها بررسی شده است. انسان بصیر برای تبدیل شدن به مدیر بصیر و یا به تعبیری مدیر بصیرت محور و اعمال مدیریتی اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و وسایل مدیریت در اسلام (که عبارتند از: ویژگی‌ها و ظرفیت‌های درونی، قوانین و مقررات و نیروی انسانی) به مدیری لایق و بصیر، همراه با ویژگی‌های اسلامی تبدیل شود که مصداق بارز مدیریت اسلامی مبتنی بر تربیت بصیرت محور است.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت اسلامی، تربیت بصیرت محور، مدیر بصیر.

دنیای متحول و دائم‌التغیر امروزی همواره سازمان‌های گوناگون اداری و غیراداری را در بستر پیشرفت‌ها و به تبع آن، چالش‌های مخاطره‌آمیزی قرار داده است که از یک سو فرصت و از سوی دیگر تهدید محسوب می‌گردد. از این رو داشتن مدیرانی با بصیرت نافذ، لازمه حرکت در مسیر پرتلاطم و پیچیده و همراه با دشواری‌های شناختی امروزی است؛ زیرا بصیرت است که می‌تواند در موقعیت‌های چالش‌برانگیز و چندبُعدی و چندوجهی امروز راهگشای عمل در هنگام تصمیم‌گیری‌های سخت باشد.

بدین‌روی تربیت مدیران لایق یکی از مهم‌ترین مبنای فکری و دغدغه‌های جهان اسلام است. با نگاهی به سخنان ارزشمند امیرمؤمنان علیؑ در این باره موضوع نیز این نکته نمایان می‌گردد:

چنانچه مدیران و رهبران جامعه اسلامی به درستی تربیت نشوند و راه و روش صحیح حکومت‌داری و مدیریت را فراموش کنند و در مسند امور قرار گیرند، مردم آن جامعه هرگز روی صلاح و اصلاح را نخواهند دید (رشید گزگوه، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

با توجه به آنچه ذکر شد، یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت آگاهی انسان از جایگاه واقعی و الهی خویش است و به علت اهمیت «انسان» به‌مثابه موضوع علم تربیت، این علم نسبت به سایر علوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ضرورت پژوهش در این حوزه را بیش از پیش نمایان می‌گرداند.

درباره اهمیت تربیت انسان، نکات بسیاری در آیات قرآنی وجود دارد که در اینجا به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود: خداوند علت رسالت پیامبر اکرمؐ را تربیت انسان دانسته، می‌فرماید: «اوست که در بین مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیتش را بر آنان بخواند و [از هر نوع آلودگی] پاکشان سازد و کتاب و معارف استوار و سودمند به آنان بیاورد. مسلماً آنان پیش از این، در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه: ۲).

در این باره خواجه نصیرالدین طوسی نیز بیان داشته است: تربیت می‌تواند انسان را از ادنا درجه به اَعلا درجه برساند (طوسی، ۱۳۵۶، ص ۷۶).

بدین‌روی انسان برای دستیابی به کمال مطلوب خویش، نیازمند تربیت و کسب آگاهی و شناخت مناسب از خویش است. از سوی دیگر با تأمل در آموزه‌های دینی و اسلامی، مشخص می‌گردد که بصیرت راه نزدیکی به خدا و سعادت‌مندی دنیوی و اخروی است و یکی از الزامات اساسی رهبری و مدیریت در جامعه اسلامی، داشتن بصیرت است، تا جایی که امیرمؤمنانؑ شرط اساسی مدیریت و رهبری را بصیرت دانسته، می‌فرماید: «و این پرچم [مدیریت و رهبری] را کسی نمی‌تواند بر دوش بگیرد، مگر آنکه صاحب بصیرت، استقامت و آگاه به موانع و مسائل حق باشد» (نهج‌البالغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۳).

قرآن کریم نیز تأکید دارد که انبیای الهی دارای بصیرت هستند و باید مردم را نیز با بصیرت، به سوی خداوند فراخوانند: «بگو این است راه من که من و پیروانم؛ بر پایه بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنیم. خداوند [از هر عیب و نقصی] منزّه است و من از مشرکان نیستم» (یوسف: ۱۰۸).

اهمیت داشتن بصیرت از آن روست که انسان با دستیابی به روشن بینی عمیق حاصل از آن، توانایی درک و پاسخگویی مناسب در موقعیت‌های گوناگون را به دست می‌آورد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایات متعددی درباره اهمیت بصیرت و لزوم دستیابی به آن سفارش نموده‌اند. ایشان در نامه ۳۴ *نهج البلاغه* به محمد بن ابی بکر می‌فرمایند: «و اینک تو به صحنه درآی با آگاهی، و با بصیرت خاص خود به سوی دشمن بتاز» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۴). همچنین در خطبه ۲۱۶ می‌فرمایند: «خداوند پس از گمراهی، ما را هدایت کرد و به جای کوری، به ما بصیرت عطا نمود» (همان، خطبه ۲۱۶). امیرمؤمنان علیه السلام در جایی دیگر در این باره می‌فرمایند: «نداشتن چشم ظاهر، از کوردلی و بی‌بصیرتی بهتر است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴).

بنابراین، جوامع اسلامی زمانی پیشرفت خواهند کرد که مدیران آنها با بصیرتی جامع، ژرف، دقیق و آرمانی در جهت اهداف نظام اسلامی گام بردارند، که این موجب افزایش روحیه مشارکت میان افراد جامعه شده، کاستی‌های احتمالی را برطرف خواهد ساخت. بنابراین بصیرت آگاهی و جهت‌گیری درست و منطقی در امور کاری مدیران اسلامی را در پی دارد و در حقیقت برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت اقتضایی در هر جامعه‌ای نتیجه بصیرت مدیران بابصیرت است.

مطالعات متعددی درباره «تربیت» و «بصیرت» با رویکرد اسلامی صورت گرفته است. در اینجا به برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله اشاره می‌گردد:

*ایمانی‌فر* (۱۳۹۸) در پژوهشی به رابطه بین بصیرت و تقوا از دیدگاه قرآن کریم پرداخته و به این نتیجه رسیده است که از دیدگاه قرآن کریم، بصیرت بدون تقوا و تقوا بدون بصیرت تلازمی ندارد و صاحبان بصیرت جزئی از صاحبان خرد و و خود این صاحبان خرد جزئی از صاحبان تقوای الهی‌اند.

*نقی‌پورفر* و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی و تحلیل نظریه تسلیم مبتنی بر بصیرت در قرآن کریم و جایگاه آن در الگوی مطلوب فرماندهی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در نظام فرماندهی اسلامی، افزون بر اینکه خود فرمانده باید بصیر باشد، اعمال فرماندهی بر فرمانبران نیز باید مبتنی بر اصل «بصیرت» باشد؛ یعنی فرمانده و فرمانبر آگاهانه و با بینش دینی صحیح در ساختار فرماندهی عمل نمایند.

*جواد* و *غدیری بیدهندی* (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «آموزش بصیرت و کاربرد آن در هوش معنوی با تأکید بر نظریه اسلامی»، به این نتیجه دست یافته‌اند که «بصیرت» تشخیص حل مسئله است و مسئله یار همیشگی انسان‌ها. تشخیص از راه شناخت حاصل می‌شود و شناخت درست از نادرست به وسیله شاخصی به نام «بصیرت» حاصل می‌گردد. انسان از راهبردهای شناختی به انواعی از آموزش‌های کاربردی می‌رسد که الهام‌گرفته از قرآن است، مطابق طبع انسانی بازگو شده و انسان با آنها مانوس است.

*بجاری* و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر بصیرت در تربیت دینی از دیدگاه قرآن» به این نتایج دست یافتند: ۱. قرآن برنامه تعلیم و تربیت جهان بشریت است و نظر به واقعه و حادثه بخصوص و یا گروه خاصی

ندارد. ۲. تعلیم و تربیت بشر به مرتبه نهایی رسیده و به صورت دین اسلام و برنامه قرآن درآمده که برای همیشه می‌تواند بر جامعه بشر حکومت کند و همه‌گونه احتیاجات بشر را پیش‌بینی نماید و تعلیم آن چنان توسعه دارد که چیزی را مبهم نگذاشته است. ۳. یک سلسله عوامل موجب بصیرت می‌شوند که در تربیت دینی نقش بسزایی دارند؛ از جمله: توحید، آخرت‌اندیشی، توجه به آیات خدا و کتب آسمانی، و دنیاگریزی. ۴. موانعی در بصیرت ایجاد می‌شود که مانع تربیت صحیح نیز می‌گردد؛ از جمله: غفلت انسان در دنیا، کُفر، بی‌توجهی به قرآن و مهاجرت نکردن. ۵. با افزایش بصیرت می‌توان قدرت تربیت دینی خود را تقویت کرد.

حسین‌زاده و پوریوسف (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم»، به این نتیجه دست یافتند که یکی از اهداف برجسته تربیتی اسلام ایجاد توانایی و آگاهی برای انسان‌ها از مسیر نیل به آفرینش با استفاده از آیات قرآن و احادیث است تا انسان‌ها بتوانند جایگاه خود را دریابند و از نظام زیبای هستی در رسیدن به رشد و تعالی لذت ببرند و دریافت خود را با بصیرت و آگاهی به دیگران انتقال دهند. درواقع، تمام ابزارها راهی برای شناخت تعلیم اسلام است که از سرچشمه وحی نشئت می‌گیرد و از رسالت تا امامت و ولایت ادامه می‌یابد تا بر پایه آن بتوان سعادت‌بخش‌ترین و دقیق‌ترین نظام اخلاقی جهان را بنیان نهاد.

طاهری و حسن‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «عوامل و موانع بصیرت در نهج‌البلاغه» به این نتیجه رسیدند که بررسی عوامل و موانع دستیابی به بصیرت از دیدگاه حضرت علی<sup>ع</sup> نه تنها حلال بسیاری از مشکلات جوامع امروزی است، بلکه به جرئت می‌توان گفت: می‌تواند حلال مشکلات آیندگان نیز قرار گیرد.

بستان‌پیرا (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بصیرت و آرامش در تربیت اسلامی»، به این نتیجه دست یافت که آرامش جزو آثار بصیرت محسوب می‌شود و بصیرتی که - به تعبیر امام کاظم<sup>ع</sup> - از عقلانیت شکل گرفته، به واسطه ذکر و یاد خدا و اهل بیت<sup>ع</sup> می‌تواند در وجود انسان آرامش ایجاد نماید.

چناری و پورمنصف (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «نقش بصیرت در مدیریت اسلامی» به این نتیجه دست یافتند که مدیریت در عمل زمانی درست انجام می‌شود که بصیرت درستی وجود داشته باشد. درواقع اگر عمل با بصیرت همراه شود، برنامه‌ریزی به وجود می‌آید. چون نفس مدیریت «برنامه‌ریزی» است، باید به بصیرت‌ها توجه خاص شود.

همچنین رهبر و ربانی‌نیا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مهم‌ترین عوامل سلبی و ایجابی بصیرت در نهج‌البلاغه» به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین عوامل سلبی بصیرت عبارتند از: انگیزه دنیاپرستی و جاه‌طلبی، شخصیت‌گرایی به جای حق‌گرایی، حسادت‌ورزی و برتری‌جویی خواص، نفاق، جهالت همراه با تعصب. عوامل ایجابی آن نیز عبارتند از: شناخت‌های مستقیم (عقل) و شناخت‌های غیرمستقیم شامل: بزرگان و ائمه دینی، تعلیم و تربیت، رعایت تقوای الهی و عبرت‌گیری.

در بررسی دیگری مظفری (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «مبانی بصیرت» به این نتیجه دست یافت که مبانی بصیرت شامل قرآن کریم (وحی الهی)، تقوا، ولایت‌مداری و تفکر (عقل) است.

در نهایت، وفا (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بصیرت از منظر نهج‌البلاغه» به این نتیجه دست یافت که بصیرت ریشه در سرشت آدمی دارد، ولی از راه‌ها و منابع معتبر می‌توان به قلمرو آن افزود؛ از جمله: قرآن کریم، سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، و تاریخ و آثار گذشتگان.

بر این اساس و با توجه به آنچه به اختصار و با توجه به مبانی نظری و پژوهشی فوق ذکر شد، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: اول. مفهوم «تربیت» و «بصیرت» (عناصر و مولفه‌ها، منابع، موانع، آثار و پیامدهای آن) در نظام اسلامی شامل کدام زمینه‌هاست؟ دوم. ابزارها و وسایل لازم برای اعمال مدیریت اسلامی چیست؟ و در نهایت، الگوی مدیریت اسلامی مبتنی بر تربیت بصیرت‌محور مبتنی بر آیات و روایات به چه صورتی است؟

## ۱. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و هدف تعیین‌شده، پژوهش حاضر به دنبال تبیین، بررسی و ارائه الگوی تربیتی مبتنی بر بصیرت برای مدیران اسلامی از منظر قرآن و روایات بوده و با عنایت به عنوان سؤال‌های مطروحه، به شیوه «توصیفی» و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است. بدین‌روی ابتدا با بهره‌گیری از مبانی نظری و آیات مرتبط و سپس با استفاده از فرایند چرخه‌ای تحلیل به گردآوری و تحلیل مبانی تربیتی مبتنی بر بصیرت در بافت و زمینه قرآن کریم پرداخته است.

جامعه پژوهش شامل قرآن کریم و اسناد مدارک و منابع روایی مرتبط با موضوع بررسی است. چون در پژوهش حاضر منابع و مراجع موجود فیش‌برداری و در جهت هدف پژوهش از آنها استفاده گردیده، نمونه‌گیری انجام نشده و منابع و مراجع در دسترس بررسی و تحلیل شده است. براساس روش استفاده شده در این پژوهش (توصیفی - تحلیلی)، با مراجعه به منابع اسلامی (قرآن، نهج‌البلاغه، احادیث و روایات) و بررسی اسنادی و استفاده از سبک استنباط و تلاش و پویش فکری و عقلانی، سعی شده است الگویی برای تعیین مفهوم و جایگاه «تربیت بصیرت‌محور» در مدیریت اسلامی کشف گردد.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، از کاربرگ‌های محقق ساخته برای تحلیل محتوای آیات استفاده شده است. فرایند چرخه‌ای تحلیل را ابتدا ساران‌تاکوس (۱۹۹۸) به‌عنوان یک روش تحلیل کیفی مشتمل بر گردآوری داده‌ها و اطلاعات و تقلیل داده‌ها سازماندهی و تفسیر کرد و سپس ترک‌زاده (۱۳۸۸) آن را در تولید و توسعه دانش مدیریت اسلامی توسعه داد و آن را به کار گرفت. بر این اساس در این روش کیفی (فرایند چرخه‌ای تحلیل)، با توجه به پربعد و پربرایند بودن داده‌ها، نحوه گردآوری اطلاعات در خلال فرایند گردآوری داده‌ها و اطلاعات شکل گرفته است.

فرایند گردآوری داده‌ها و اطلاعات در چهار مرحله «شناسایی زمینه‌ها و منابع اطلاعاتی مرتبط»، «جست‌وجو و کشف اطلاعات»، «استخراج و گردآوری اطلاعات» و «رمزگذاری و دسته‌بندی اطلاعات» انجام شده است. این مراحل باید در حالتی تعاملی، در این چرخه تا رسیدن به مرحله اشباع مفهوم یا دانش مدنظر ادامه یابد، به‌گونه‌ای که حاصل پژوهش یک مفهوم یا مجموعه مفاهیم مشخص، باید معنادار، مستقل و تقریباً کامل از دانش در زمینه تربیت مبتنی بر بصیرت باشد. به معنای خاص، از پژوهش‌های میدانی، ابزاری در پژوهش استفاده نشده، ولی در این ارتباط از نمونه‌برگ‌هایی به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده گردیده است. چون داده‌های به‌دست آمده کیفی است، بنابراین از تحلیل‌های کیفی برای تحلیل و جمع‌بندی آنها استفاده شده است.

## ۲. یافته‌های پژوهش

### ۲-۱. بررسی مفاهیم

اولین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه مفهوم «تربیت» و «بصیرت» (عناصر و مولفه‌ها، منابع، موانع، آثار و پیامدهای آن) در نظام اسلامی شامل کدام زمینه‌هاست؟

#### ۱-۱-۲. تربیت

«تربیت» از ریشه «رب و» و به معنای نشوونما، برتر نهادن، زیاد کردن، برکشیدن، پروردن، بزرگ داشتن، و ارزنده ساختن است (شکوهی، ۱۳۸۱، ص ۲۷). «تربیت» در اصطلاح عبارت است از: رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهاى انسان در جهت کمال مطلق شکوفا گردد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

در قرآن مفهوم «تربیت» با ریشه «رب و» چندان مورد عنایت واقع نشده است، بلکه از ماده «رب ب» آیات زیادی در قرآن را شامل می‌شود و بر این اساس «تربیت» در اسلام عبارت است از: شناخت خداوند به‌عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به‌مثابه رب خویش و تن دادن به ربوبیت و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۱۳۷۶، ص ۴۴).

از این‌رو در تعبیری دقیق می‌توان گفت: تربیت باید آدمی را از حیات طبیعی خود فراتر ببرد و به مقام انسانیت در مفهوم کلی و خلیفه‌اللهمی در مفهوم خاص و اسلامی آن نائل گرداند (مرزوقی، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۷)، بدین‌مفهوم که تربیت واقعی زمانی تحقق پیدا می‌کند که توانایی ارتقای انسان از زندگی نباتی به زندگی انسانی و الهی را داشته باشد.

برای دستیابی انسان به تربیت واقعی، نیازمند توجه به عوامل و مسائلی با عنوان «بیست و سه میم» یا «بیست و سه الزام» تربیت، از قبیل مبانی تربیت، مبدأ تربیت، مربی، متربی، مواعظ و اصول، محیط (فیزیکی، اقلیمی، روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مجازی و رسانه‌ای)، منابع (مادی و مالی و معنوی)، مسیر، مرکب، میل،

معرفت، مجاهدت، ممارست، مقاصد، منازل، مراحل، معیار و ملاک، محاسبه و ارزیابی، معینان و مشوقان، موانع و معاندان، روش، محتوا، محصول و فرآورده‌هاست (مرزوقی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۸).

از این رو می‌توان گفت: در تربیت اسلامی، انسان برای دستیابی به جایگاه واقعی و الهی خویش که تربیت بر مبنای فطرت است، نیازمند تربیتی همه‌جانبه است که از مبانی تربیت تا فرآورده‌های آن، همه چیز را دربر می‌گیرد؛ زیرا هدف اصلی از تربیت فطری آگاهی از خصوصیات و ویژگی‌ها و خصایل درونی فرد و شناخت نقاط قوت و ضعف آدمی توسط خویش است تا بتواند در جهت رفع نواقص با تکیه بر ویژگی‌های ممتاز درونی عمل کند. از این رو با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی فطری (همچون تعقل و عمل همراه با استقلال فکری، تأکید بر چگونگی‌آموزی، تأکید بر خودآموزی، تأکید بر فرایند یادگیری، تأکید بر خودارزیابی و محاسبه نفس، تأکید بر شناخت ظرفیت‌ها، استعدادها و نقاط ضعف) می‌توان انسان را به این هدف‌ها نزدیک ساخت.

در رویکرد «تربیت فطری» هیچ طرح و اندیشه‌ای از بیرون به درون فرد راه نمی‌یابد، بلکه طرحواره و نهاد تربیت امری درونی است که در نتیجه فراهم آمدن محیط مناسب، شکوفا شده، به بار می‌نشیند. از این رو «تربیت فطری» امری از درون به بیرون است و تنها نیاز است تا شرایط را برای ظهور فطرت خداجوی انسان فراهم آوریم. مسیر تربیت انسان، نه از راه افزودن و آراستن جمال، تعلیم ذهن و عقل معاش‌اندیش، بلکه از طریق کاستن و پیراستن، تهذیب دل و عقل معاندانیش حاصل می‌شود (مرزوقی و امیری، ۱۳۹۷).

## ۲-۱-۲. بصیرت

«بصیرت» چشم بینای دل و نورافکنی برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است (سعیدی شاهرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰). *راغب اصفهانی در المفردات*، معانی «بصیرت» را بینایی دل و درک قلبی برشمرده و جمع آن را «بصائر» دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷).

*قاموس قرآن* یکی از معانی «بصیرت» را «حجت و دلیل» برشمرده و «بصیر» را صاحب بینایی و صاحب علم دانسته است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۵).

«بصیرت» از ریشه «بصر»، اما با معنایی متفاوت است؛ زیرا «بصر» به معنای چشم سر است؛ اما بصیرت به معنای چشم دل است (صدری افشاری، ۱۳۸۷، ص ۵۸۷).

در قرآن کریم، واژه «بصیرت» ۲ بار و مشتقات «بصر» ۱۴۸ بار تکرار شده است. در قرآن و روایات، واژه‌هایی وجود دارند که می‌توان گفت: مترادف یا معادل واژه «بصیرت» هستند؛ از جمله: یقظه (بیداری) «فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورٍ یَقْظَلُهُ فِی الْبُصَّارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَفْئِدَةِ» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۱۳)، و نور (رعد: ۱۶)، فرقان (نیروی جداکننده حق از باطل) (بقره: ۱۸۵). همچنین با استفاده از آیات قرآن کریم، می‌توان مفهوم «بصیرت» را در معانی گوناگونی همچون خودآگاهی (قیامت: ۱۵ و ۱۴)، دلایل روشن (اعراف: ۲۰۳؛ انعام: ۱۰۴؛ یوسف: ۱۰۸؛ قصص: ۴۳) و بینایی (فاطر: ۲۰ و ۱۹) مشاهده نمود.

## ۱-۲-۱. مؤلفه‌های اصلی بصیرت

بصیرت دارای چهار مؤلفه اصلی است که به دو دسته «رکنی» و «شرطی» تقسیم‌بندی می‌شوند. مؤلفه‌های رکنی عبارتند از: شناخت و ایمان (باور قلبی) و مؤلفه‌های شرطی عبارتند از: تقوا (مهار گرایش‌های منفی) و تشخیص مصداق حق.

مؤلفه‌های رکنی از ارکان بصیرت هستند و در شکل‌گیری ماهیت بصیرت نقش اصلی ایفا می‌کنند (برهان، ۱۳۹۰). به گونه‌ای که تا شناخت عمیق و یقینی از خداوند که متأثر از قرآن و روایات است، حاصل نگردد، بصیرت‌آفرینی لازم صورت نخواهد گرفت. از سوی دیگر، وجود ایمان، گرایش و باور قلبی به حق و حقیقت نیز نقشی اساسی در ایجاد بصیرت دارد. در صورتی که شناخت در انجام کاری همراه با ایمان نباشد، به سبب نبود باور قلبی، آن کار سرانجامی نخواهد داشت.

مؤلفه‌های شرطی از شروط تحقق بصیرت به شمار می‌آیند که برای مؤلفه‌های رکنی نقش مکمل را دارند (همان، ص ۷۴).

انسان، هم دارای گرایش‌های نفسانی است و هم گرایش‌های روحانی، و برای اینکه رفتارش همراه با بصیرت باشد و از مسیر حق خارج نگردد، باید توسط نیروی تعقل، هواهای نفسانی خویش را مهار نموده، تقوای الهی پیشه کند. از سوی دیگر، یکی از شروط بصیرت‌آفرینی، «تشخیص مصداق حق» است که اگر به درستی صورت نگیرد، نه تنها سه عنصر قلبی را بی‌ثمر و بدون نتیجه خواهد گذاشت، چه بسا پیامدهای ناگواری نیز به دنبال داشته باشد. این شرط بیشتر در فضای آلوده فتنه رخ نشان می‌دهد و در چنین شرایطی بهترین الگو خواص جامعه هستند که می‌توانند یاری‌رسان مردم باشند.

## ۲-۲-۱-۲. منابع بصیرت در فرهنگ اسلامی

با بررسی صورت‌گرفته در آیات، روایات و متون اسلامی، منابع بصیرت شامل موارد ذیل است:

### یک. قرآن

خداوند در آیات بسیاری از قرآن کریم، آن را یکی از منابع اصلی بصیرت‌افزایی و بصیرت‌آفرینی معرفی می‌کند. خداوند در آیه ۱۷۴ سوره «نساء»، آیات ۱۵ و ۱۶ سوره «مائده» و آیه ۸۹ سوره «نحل»، قرآن را مایه هدایت، رحمت و بشارت معرفی کرده، می‌فرماید: «[یاد کن] روزی [را] که در هر امتی گواهی از خودشان بر آنان برمی‌انگیزیم، و تو را [ای پیامبر] بر این امت گواه می‌آوریم، و [این] کتاب را برایت فرستادیم که بیانگر هر چیزی و [مایه] هدایت و [عامل] رحمت و بشارت‌دهنده [به فرجام نیک] برای مسلمانان [واقعی] است» (نحل: ۸۹).

همچنین در آیه ۱۷ سوره «قمر»، قرآن را پندآموز و موعظه‌گر معرفی نموده و در جایی دیگر در این باره چنین فرموده است: «ای مردم، بی‌تردید برای شما از سوی پروردگارتان پند و موعظه‌ای [همچون قرآن] آمده است؛ درمان‌کننده آنچه درون [شما] است و [سراسر] هدایت، و رحمتی برای مؤمنان است» (یونس: ۵۷).



پیامبر اکرم ﷺ نیز در حدیث مشهور «ثقلین» قرآن و اهل بیت ﷺ را دو یادگار گرانبه‌ای خویش برای هدایت امت معرفی می‌نمایند که نقش سلیمی در گمراهی انسان‌ها ایفا می‌کند: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ص ۱۴۰)؛ من در میان شما دو چیز گرانبه‌ها به یادگار می‌گذارم. اگر به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم؛ [یعنی] دودمانم. این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض [کوثر] بر من وارد گردند.

همچنین امیرمؤمنان علی ﷺ در خطبه ۱۷۶ *نهج البلاغه*، قرآن را عامل هدایت و بصیرت‌افزایی دانسته، می‌فرماید: «مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ؛ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ مِنْ عَمَى» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۶)؛ کسی با این قرآن همنشین نشد، مگر اینکه از نزد آن با فزونی و کاستی برخاست؛ فزونی در هدایت (بصیرت) و کاستی از کوردلی.

### دو. اهل بیت ﷺ

مطابق حدیث «ثقلین»، یکی از دو گوهر گرانبه‌ایی که پیامبر اکرم ﷺ برای هدایت امت خویش به یادگار گذاشته، اهل بیت (عترت) است. سخنان ارزشمند و سیره زندگانی آنان عوامل مهمی در هدایت جامعه اسلامی به شمار می‌آید. امیرمؤمنان علی ﷺ نیز در خطبه ۹۷ *نهج البلاغه* در این باره می‌فرماید: «به اهل بیت پیامبران بنگرید، از آن سمت که آنها گام برمی‌دارند، منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید. آنها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، قیام نمایید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید» (همان، خطبه ۹۷).

### سه. عقل

یکی از منابع بصیرت «عقل» (اندیشه و تفکر) است. به اندازه‌ای که آدمی شناخت پیدا کند، به سعادت دنیوی و اخروی دست می‌یابد. امیرمؤمنان علی ﷺ در این باره می‌فرماید: «عقلُ تو را کفایت می‌کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد» (همان، حکمت ۴۱۳). در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «عقل فرستاده حق است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵).

### چهار. پرهیزگاری

از دیگر منابع بصیرت‌آفرینی، «پرهیزگاری» (تقوا) است که موجب بیداری درونی می‌گردد. خداوند در این باره چنین می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ اتَّقُوا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف: ۲۰۱)؛ مسلماً هرگاه وسوسه‌ای از سوی شیطان به تقوای پیشگان برسد [به فرمان‌های خدا و محاکمات قیامت] توجه قلبی می‌کنند و بی‌درنگ [به وسوسه دشمن] بینا می‌شوند. [در نتیجه از افتادن در دام وسوسه در امان می‌مانند].

همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «ای مؤمنان، اگر خدا را [اطاعت کنید و از محرماتش] بپرهیزید، بصیرتی ویژه برای تشخیص [حق از باطل] برای شما قرار می‌دهد و گناهاتتان را محو می‌کند و شما را می‌آمرد. خداوند دارای احسانی بزرگ است» (انفال: ۲۹).

### پنج. زهد

دل بستگی نداشتن به دنیا، پذیرش حقایق هستی و درک زشتی‌های آن را آسان می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «هر که از دنیا بگذرد، خدایش بدون فراگیری، به او علم می‌آموزد و به او بصیرت می‌دهد» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۷۶۶).

امیرمؤمنان علیؑ نیز در این باره می‌فرماید: «در دنیا زاهد باش تا خداوند چشم تو را نسبت به عیوب و زشتی‌های آن بینا سازد! و غافل مباش که مراقب تو هستند!» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۳۹۱).

همچنین امام صادقؑ می‌فرماید: «کسی که به دنیا بی‌رغبت باشد، خداوند حکمت را در قلبش ثابت می‌گرداند و زبانش را به آن گویا می‌سازد و او را به عیب‌های دنیا و درد و درمانش بینا می‌گرداند و او را از دنیا سالم بیرون می‌برد و وارد بهشت دارالسلام می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۳).

### شش. تفقه در دین

امام کاظمؑ در خصوص «تفقه» که یکی از عوامل و منابع بصیرت‌آفرینی است، چنین می‌فرماید: «در دین خدا تفقه و کاوش کنید؛ زیرا فقه و فهم دین کلید بصیرت و کامل‌کننده عبادت است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۲۴۷).

### هفت. مشورت

یکی دیگر از منابع ارزشمند دستیابی به بصیرت، مشورت کردن با دانشمندان و متخصصان صاحب‌نظر و استفاده از راهنمایی‌ها و نظرات سودمند آنان است که می‌تواند موجب افزایش آگاهی و بینش انسان گردد. حضرت علیؑ در این زمینه می‌فرماید: «جَاوِرِ الْعُلَمَاءَ تَسْتَبْصِرُ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۱)؛ با دانشمندان بنشین تا بصیرت (آگاهی) یابی. در جایی دیگر ایشان می‌فرماید: «با راهنمایی، بصیرت (بینش) زیاد می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۳).

### هشت. عبرت گرفتن از گذشتگان

آثار و تاریخی که از گذشتگان بر جای مانده است، می‌تواند یکی از منابع مؤثر بصیرت و عبرت محسوب گردد. امیرمؤمنان علیؑ در این رابطه می‌فرماید: «آیا برای شما در آثار گذشتگان مایه خودداری از گناه و در سرگذشت پدرانان بصیرت و عبرتی نیست، اگر اهل تعقل و تفکر باشید؟!» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۹۹). همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «به یقین، در مرور حوادث قرون گذشته برای شما عبرت است» (همان، خطبه ۱۸۲).

### ۳-۲-۱. موانع بصیرت

خداوند در قرآن کریم، برخی صفات را به مثابه موانع بصیرت بیان نموده است که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

#### الف. غرور

یکی از صفاتی در قرآن به عنوان عامل سلبی و مانع دستیابی به بصیرت معرفی گردیده، «کبر و غرور» است: «[به کيفر لجاجت و کبرشان] از پیش‌روی [دل و روح] شان، و از پشت سر [جان و وجود] شان، حایلی [بلند و تاریک‌زا] قرار داده‌ایم و [دیدگان] آنان را به صورتی فراگیر پوشانده‌ایم که نور هدایت را نمی‌بینند» (یس: ۹).

#### ب. کفر

خداوند کفر (انکار حقایق) را عامل بی‌بصیرتی معرفی کرده، می‌فرماید: «مسلماً برای منکران حقایق، یکسان است که هشدارشان دهی یا ندهی؛ قطعاً ایمان نمی‌آورند. خداوند بر دل‌ها و گوششان مهر زده و بر چشم‌ها [ی قلبشان] پردهٔ ضخیمی است و برای آنان عذاب بزرگی است» (بقره: ۷۰).

#### ج. رویگردانی از آیات الهی

خداوند یکی دیگر از موانع بصیرت را رویگردانی از آیات الهی معرفی می‌کند: «ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش پندش دهند و او از آنها رویگردان شود و دست‌آورد پیشین خود را فراموش کند، کیست؟ ما بر دل‌هایشان پوشش‌هایی نهاده‌ایم تا قرآن را نفهمند، و در گوش‌هایشان سنگینی [گذارده‌ایم]. اگر آنان را به هدایت دعوت کنی هرگز هدایت نیابند» (کهف: ۵۷).

#### د. تفکر نکردن

خداوند می‌فرماید: «بر دل‌هایشان قفل‌هایی است که با کلیدی همچون قرآن هم گشوده نمی‌شود» (محمد: ۲۴).

#### هـ. گناه

در قرآن آمده است: «گناهایی که همواره مرتکب شده‌اند بر دل‌هایشان چرک و زنگار بسته است» (مطففین: ۱۴).

#### و. هواپرستی

از دیگر موانعی که در قرآن برای بصیرت ذکر شده، «هواپرستی» است. خداوند در این باره چنین می‌فرماید: «آیا کسی که خواسته‌های خود را معبود خویش قرار داده، و خداوند او را از روی علم و آگاهی در گمراهی واگذاشته و بر گوش و دلش مهر نهاده و بر چشم [بصیرت] او پرده‌ای کشیده، بعد از خدا چه کسی او را هدایت می‌کند؟» (جاثیه: ۲۳).

#### ز. نفاق

خداوند «نفاق» را یکی دیگر از موانع بصیرت قلمداد کرده، می‌فرماید: «هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند، می‌گویند: ما مؤمن شدیم، و زمانی که با شیطان‌هایشان در خلوت بنشینند، می‌گویند: به یقین ما با شما ایم؛ ما آنان را فقط

ریشخند می‌کنیم. خداوند آنان را عذاب می‌کند و در تجاوز کردنشان مهلت می‌دهد تا سرگردان بمانند» (بقره: ۱۴ و ۱۵). همچنین در روایات ذیل که از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل گردیده نیز به ذکر موانع بصیرت اشاره شده است:

### ح. دنیاطلبی

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَحُبُّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ غَمَّيْتَ الْقُلُوبَ عَنْ نُورِ الْبَصِيرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۵)؛ البته دوستی دنیا گوش‌ها را از شنیدن حکمت، کَر می‌کند و دل‌ها را از دیدن نور بصیرت کور می‌کند. ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «دنیا را رها کن! حُب دنیا انسان را کور و کَر و لال و خوار می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۳۶).

### ط. غفلت

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «دامه‌یافتن غفلت دیده بصیرت را کور می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۵۱۴۶).

### ی. تدبیر نداشتن

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «چگونه هدایت پذیرد آنکه بصیرت ندارد؟ و چگونه بصیرت یابد آنکه تدبیر ندارد؟» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۸۳).

### ک. آرزوهای طولانی

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آرزوهای طولانی دیده بصیرت مردمان را کور می‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۱۷۰).

## ۴-۲-۱. آثار و پیامدهای بصیرت

آثار و پیامدهای بصیرت از وجوه و مصادیق متمایزکننده انسان بصیر از سایر افراد است و در آیات و روایات متعددی بدان اشاره شده که برخی از آنها در ذیل می‌آید:

### یکم. ایمان

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «به درستی که نور بصیرت و بینش روح و اصل حیات است و ایمان جز با آن و متابعت کلمه الله و قبولی آن سودی نمی‌دهد» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳۰، ص ۳۸).

### دوم. یقین

امیرمؤمنان علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «به درستی که من دارای دلیل روشنی از پروردگارم و صاحب بصیرت و بینایی در دین و صاحب یقین در کارم هستم» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۹).

### سوم. دانش

امیرمؤمنان علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «مردم سه دسته‌اند: دانشمندی خدایی... که آنان لبریز از دانش، بصیرت و یقین هستند» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۵۲).

#### چهارم. زیرکی

امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: «استقامتِ فهم و زیرکی با بصیرت به دست می آید» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹).

#### پنجم. مدیریت و رهبری

در سخن امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: «این پرچم مدیریت و رهبری و قبول آن را جز افراد با بصیرت و آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق بر دوش نمی کشند» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳۴، ص ۲۴۸).

#### ششم. هدایت

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر که جهالت ورزد هلاک شود و هر که با دیده بصیرت بنگرد و تعقل کند، هدایت یابد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۸).

#### هفتم. عبرت آموزی

در این باره خداوند در قرآن می فرماید: «بی تردید برای شما در دو گروهی که [در عرصه نبرد] با هم روبه رو شدند نشانه‌ای [از قدرت خداوند و صدق نبوت پیامبر] بود: گروهی در راه خدا می جنگیدند، و گروه دیگر کافر به حقایق بودند. اینان مؤمنان را به چشم خود دو برابر می دیدند [به این سبب دچار ترس شده، شکست خوردند]. خداوند هر که را بخواهد با یاری خود قدرت می دهد. بی تردید در این [حادثه] پندی برای اهل بصیرت است» (آل عمران: ۱۳).

امیرمؤمنان علیه السلام نیز می فرمایند: «بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد، نگاه کند و ببیند و از عبرت‌ها بهره گیرد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸، حدیث ۱۱۳۳).

#### هشتم. عیب شناسی و ترک گناه

امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: «بصیرترین مردم کسی است که عیوب خویش را ببیند و از گناهانش باز ایستد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹۸).

#### ۲-۲. ویژگی‌های مدیریت اسلامی

دومین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه ابزارها و وسایل لازم برای اعمال مدیریت اسلامی چیست؟ مدیریت اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که در متن آموزه‌های اسلامی درباره آنها سخنان بسیاری گفته شده که می تواند نقش مؤثری در توفیق جامعه اسلامی داشته باشد. از این رو مدیر اسلامی در جایگاه مدیریت، همچون سایر مسائل، نیازمند ابزارها و وسایلی است که توسط آن، اعمال مدیریت می کند و مجموعه‌ای را به اهداف از قبل تعیین شده خود می رساند. بر همین اساس، به نمونه‌هایی از ابزارها و وسایل لازم برای مدیر اسلامی اشاره می گردد:

#### ۲-۲-۱. ظرفیت‌های درونی

از نخستین و مهم ترین ابزارهای لازم برای مدیریت اسلامی، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های تخصصی، ارزشی و درونی مدیر اسلامی است که به نوعی وجه تمایز وی با دیگران قلمداد می گردد. بر این اساس، بی شک، بهترین مرجع

و معیار برای دستیابی به چنین خصوصیتی، آموزه‌های اسلامی (از جمله سخنان ارزشمند امیرمؤمنان علیه السلام در کتاب گرانبهای *نهج البلاغه*) است؛ زیرا فارغ از علم لدنی و معصومیت ایشان، تجارب آن حضرت در عرصه حکومت اسلامی، همچنین مدیریت جنگ‌های متعدد، موجب تأیید بیش از پیش محتوای این کتاب شریف می‌گردد. بدین‌روی برخی از خصوصیات و معیارهای مدیران اسلامی که از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام استخراج شده، در ذیل مطرح می‌گردد:

#### ۱-۱-۲-۲. دانش

امیرمؤمنان علیه السلام درباره اهمیت دانش می‌فرمایند: «ای مردم، همانا سزاوارترین مردم به این امر (خلافت و زمامداری) کسی است که تواناترین آنها بر اجرای امور و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل باشد» (*نهج البلاغه*، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۲).

#### ۲-۱-۲-۲. تقوا

امام علی علیه السلام در این‌باره می‌فرمایند: «از خدایی بترس که ناچار او را ملاقات خواهی کرد و سرانجامی جز حاضر شدن در پیشگاه او نداری» (همان، نامه ۱۲).

#### ۳-۱-۲-۲. مسئولیت‌پذیری

امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز نزنید!» (همان، خطبه ۱۶۷).

#### ۴-۱-۲-۲. حسن سابقه

امیرمؤمنان علیه السلام در رابطه با سوابق کاری افراد در نامه به *مالک اشتر* می‌فرمایند: «بدترین وزیران تو کسانی‌اند که وزیران والیان بدکار پیش از تو بوده‌اند و با آنان در گناهان، همکاری کرده‌اند» (همان، نامه ۵۳).

#### ۵-۱-۲-۲. حق‌مداری

امیرمؤمنان علیه السلام در این‌باره در نامه‌ای می‌فرمایند: «با ملازمت حق، پشتوانه قوی حاصل می‌شود». همچنین در جای دیگر از همین نامه می‌فرمایند: «هرکه به حق عمل کند مردمان به او تمایل یابند» (همان، نامه ۶۲).

#### ۶-۱-۲-۲. عدالت

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه به *مالک اشتر* می‌فرمایند: «دوست داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد؛ اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند» (همان، نامه ۵۳).

#### ۷-۱-۲-۲. صداقت

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: «با اهل صدق پیوند و مسئولیت‌های کلیدی را به آنان بسپار» (همان، نامه ۵۳).

#### ۸-۱-۲-۲. استقامت

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره خطاب به لشکریان چنین می‌فرماید: «بر جای خود محکم بایستید و در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید!» (همان، خطبه ۱۹۰).

#### ۹-۱-۲-۲. قاطعیت

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «علم خود را به جهل، و یقین خویش را به شک تبدیل نکنید! وقتی دانستید، عمل کنید و زمانی که یقین کردید، اقدام نمایید!» (همان، حکمت ۲۷۴)

#### ۱۰-۱-۲-۲. سعه صدر (ظرفیت)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید: «أَلَّةُ الرَّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص، ۱۶۵)؛ گشادگی سینه، ابزار مدیریت است.

#### ۱۱-۱-۲-۲. آینده‌نگری

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «بینادل خردمند پایان خویش را می‌بیند و پست و بلند و نشیب و فراز خود را می‌شناسد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۴).

#### ۱۲-۱-۲-۲. خیرخواهی

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه به مالک اشتر در این باره می‌فرماید: «برای فرماندهی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام بیشتر باشد» (همان، نامه ۵۳).

#### ۱۳-۱-۲-۲. مدارا و نرمخویی

ایشان در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن! اما آنجا که جز با شدت عمل، کارها پیش نمی‌رود، شدت عمل به خرج ده و پر و بال خود را برای مردم بگستر و با چهره گشاده با آنان روبه‌رو شو و نرمخویی با آنان را نصب‌العین خود قرار ده!» (همان، نامه ۴۶)

#### ۱۴-۱-۲-۲. گشاده‌رویی و فروتنی

ایشان در نامه ۴۶ به یکی از کارگزاران سیاسی خود می‌فرماید: «پر و بالت را برابر رعیت بگستران. با مردم گشاده‌رو و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن، با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (همان، نامه ۴۶).

۱۵-۱-۲-۲. اعتدال

حضرت در نامه ۱۹ به یکی از مدیران خویش می‌فرماید: «در رفتار با دهقانان، نرمی و درشتی را به هم آمیز؛ رفتاری با شدت و نرمش - هر دو - داشته باش. میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور ساختن رعایت کن» (همان، نامه ۱۹).

۱۶-۱-۲-۲. اجتناب از تبعیض

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه به مالک/شتر می‌فرماید: «به هیچ‌یک از اطرافیان و خاصان و نزدیکان خود، زمینی به رسم تیول وامگذار و نباید که کسی از تو پاره زمینی طمع کند تا به همسایگان در سهم آب یا در عملی که بین او با همسایگان مشترک است، آنان را به بیگاری بگیرد و به آنان زیان رساند و بار خویش را بر دوش دیگران بگذارد. پس با این کارها، سود گوارا برای آنان باشد و سرزنش و گناه آن کار در این جهان و آن جهان گریبانگیر تو گردد» (همان، نامه ۵۳).

۱۷-۱-۲-۲. وفاداری

امام علیه السلام در جایی می‌فرماید: «ای مردم، وفا همراه راستی است، که سپری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم. آن که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد» (همان، خطبه ۴۱).

۱۸-۱-۲-۲. توجه به نماز

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به محمدبن/ابی‌بکر، هنگامی که مدیریت مصر را به او سپردند، فرمودند: «نماز را در هنگامی که برای آن مقرر شده است، بجای آور، نه وقت آن را به علت فراغ از کار، پیش انداز؛ نه به سبب اشتغال به کار به تأخیر افکن، و آگاه باش که همه کارهای تو وابسته به نماز توست» (همان، نامه ۲۷).

۱۹-۱-۲-۲. مشورت کردن

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ای به سران سپاه خود نوشتند: «آگاه باشید! حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی، هیچ سری را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می‌آید، جز حکم الهی، بدون مشورت شما کاری انجام ندهم» (همان، نامه ۴۰).

همچنین ایشان در این باره در نامه‌ای می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت کردن نیست». در فرازی دیگر از همین نامه می‌فرماید: «هیچ خردمندی از مشورت بی‌نیاز نمی‌شود» (همان، نامه ۵۳).

۲۰-۱-۲-۲. عبرت

امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به مالک/شتر می‌فرماید: «ای مالک، بدان که تو را به دیاری فرستادم که پیش از تو داد و بیداد فراوان بر آن رفته است و مردم در کار تو همان‌گونه نظر خواهند کرد که تو در کار والیان پیش از خویش نظر می‌کنی و از تو همان خواهند گفت که تو درباره آنان می‌گویی» (همان، نامه ۵۳).



## ۲-۲-۲. قوانین و مقررات

قوانین، مقررات و ضوابط ابزاری هستند که مدیران می‌توانند به وسیله آنها، اهداف از پیش تعیین شده سازمان‌ها را تحقق بخشند. از سوی دیگر، تنها قوانینی که می‌توانند جامعه‌ای سالم و قانونمدار پدید آورند قوانین الهی هستند و تنها کسانی که قانونمداری را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند و آن گونه که شایسته است به قانون عمل کرده و از حریم قانون پاسداری به عمل آورده‌اند، پیامبران الهی و جانشینان برحق آنان بوده‌اند.

در میان قوانین الهی، نمونه کامل آن، قوانین حیات بخش اسلام و قرآن است که از جانب خداوند و توسط پیامبر اکرم ﷺ بر مردم عرضه شده است. از این رو مدیر اسلامی باید به قوانین الهی به صورت اعم و آنچه از جانب اسلام و قرآن تعیین شده به صورت اخص (از قبیل تکالیف، حقوق، حدود، مسئولیت‌ها) آگاهی داشته باشد تا با اشراف کامل نسبت به حوزه مدیریتی تحت سرپرستی خویش، اعمال مدیریت نماید.

به نظر امیرمؤمنان علیه السلام، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری رهبران و مدیران جامعه نقش اساسی در گرایش مردم به قانون دارد. از این رو ایشان در روایتی می‌فرمایند: «مردم به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۸).

## ۲-۲-۳. نیروی انسانی

نیروی انسانی در هر حکومتی، از مهم‌ترین ابزارها و سرمایه‌های آن به حساب می‌آید. اهمیت این منبع به اندازه‌ای است که امروزه در اولویت برنامه کشورهای دنیا قرار گرفته است. همچنین بزرگان دین اسلام، از جمله پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام نیز در آموزه‌های اسلامی، اهمیت بسیاری برای آن قائل می‌شدند و همیشه فرماندهان و فرمانداران حکومت‌های خویش را نسبت به ضرورت توجه به نیروهای انسانی، توصیه می‌نمودند. بر همین اساس، به سفارش‌های حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر در زمان تصدی پست فرمانداری مصر در باره وظایف مدیر نسبت به نیروی انسانی، اشاره می‌گردد:

### ۱-۲-۳-۲. تجزیه و تحلیل مشاغل

«ای مالک، بدان که مردم از گروه‌های گوناگونی هستند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از جمله این گروه‌ها، لشکریان، نویسندگان، قضات، کارگزاران، مالیات‌دهندگان، بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان هستند» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

### ۲-۳-۲. برنامه‌ریزی

«... برای تمام اقشار گوناگون یاد شده در پیشگاه خدا، گشایشی است و همه آنها به مقداری که امورشان اصلاح شود بر رهبر، حق مشخصی دارند و رهبری نمی‌تواند موفق شود، مگر آنکه تلاش کند و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها، چه آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد» (همان، نامه ۵۳).

### ۳-۲-۳-۲. استخدام

«... برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر و امام تو بیشتر و دامن او پاک‌تر و شکیبایی او برتر باشد؛ از کسانی باشد که دیر به خشم آید و عذرپذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان و زورگویان با قدرت برخورد کند؛ درستی (دیگران نسبت به او) وی را به تجاوز نکشاند و ناتوانی وی را از حرکت بازدارد... . در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار و با خواست شخصی و بی‌مشورت با دیگران، آنان را به کارها وادار نکن؛ زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیاء، از خاندان پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری‌شان بیشتر است (همان، نامه ۵۳).

### ۴-۳-۲-۲. ارزیابی عملکرد

«... رفتار کارگزاران را بررسی کن و بازرسانی راستگو و وفاییده بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنها، سبب امانتداری و مهربانی آنها با مردم خواهد بود... در یک ارزیابی دقیق از عملکرد آنها، رنج و زحمات هریک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری نگذار و ارزش خدمت او را ناچیز شمار» (همان، نامه ۵۳).

### ۵-۳-۲-۲. تأمین مالی

«پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آنقدر به او ببخش که نیازهای او تأمین گردد و به مردم نیازمند نباشد... روزی فراوان بر آنها ارزانی دار؛ که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (همان، نامه ۵۳).

### ۶-۳-۲-۲. آموزش

امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به امام حسن علیه السلام در باره توجه به آموزش و اهمیت دانش می‌فرماید: «اگر درباره جهان و تحولات روزگار، مشکلی برای تو پدید آمد، آن را با ناآگاهی ارتباط ده؛ زیرا تو ابتدا با ناآگاهی متولد شدی و سپس علوم را فراگرفتی و چه بسیار است آنچه را که نمی‌دانی! پس حفظ تحمل، پند گرفتن از تجربه‌هاست و بهترین تجربه آن است که تو را پند آموزد. پیش از آنکه فرصت از دست برود و اندوه به بار آورد، از فرصت‌ها استفاده کن» (همان، نامه ۳۱).

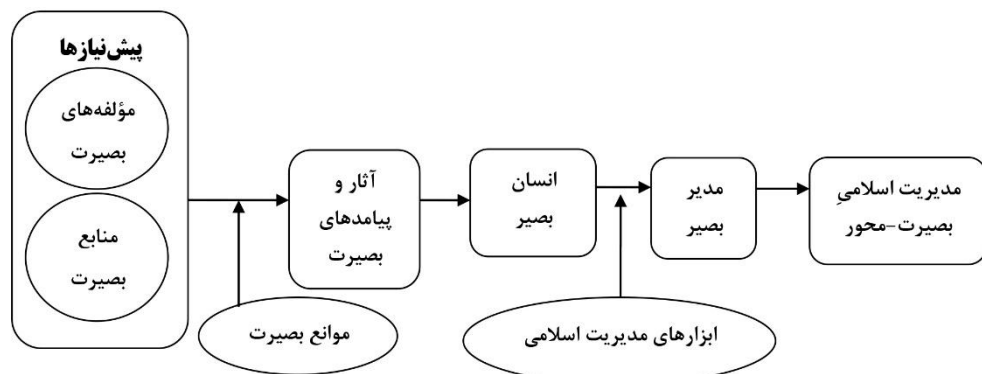
### ۳-۲-۳. الگوی مدیریت اسلامی مبتنی بر تربیت بصیرت‌محور

سومین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه الگوی مدیریت اسلامی مبتنی بر تربیت بصیرت‌محور چگونه است؟

با دقت و تعمق در مبانی نظری پژوهش، معلوم می‌شود که تربیت مستلزم کسب آگاهی و معرفت است، اما معرفت و آگاهی همواره مبتنی بر معرفت و یا - به اصطلاح - یک فراورده بیرونی و اکتسابی نیست، بلکه معرفت می‌تواند مبتنی بر یک زایش و رویش درونی نیز باشد (مرزوقی، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۹). بدین‌روی می‌توان چنین استنباط کرد که مدیر اسلامی به‌عنوان یک انسان، از یک سو به منظور دستیابی به تربیت واقعی و شکوفایی استعدادها بالقوه خویش، در مسیر کمال مقدر و شناخت و آگاهی لازم نسبت به جایگاه الهی و واقعی خود، نیازمند نیرویی قوی و درونی به نام «بصیرت» است که قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشد و به‌مثابه محور رشد تربیتی وی و همانند نورافکنی که راه درست را از نادرست متمایز می‌سازد، عمل کند. بنابراین عوامل ایجابی و پیش‌نیازهای کسب بصیرت مؤلفه‌ها و منابع آن هستند که در صورت دستیابی انسان به آنها، او را در مسیر بصیرت‌آفرینی و بصیرت‌افزایی قرار می‌دهند و در صورتی که توانایی مبارزه و دفع عوامل سلبی بصیرت را - که همان موانع هستند - داشته باشد، آثار و پیامدهای بصیرت در وی نمایان خواهد شد که در آن صورت، به چنین انسانی «بصیر» اطلاق می‌گردد.

از سوی دیگر، انسان بصیر برای تبدیل شدن به مدیر بصیر یا به تعبیر دیگر مدیر بصیرت‌محور و اعمال مدیریتی اسلامی، نیازمند بهره‌گیری از ابزارها و وسایل مدیریت در اسلام است که در صورت تحقق این امر، مدیری لایق و بصیر، همراه با ویژگی‌های اسلامی تربیت خواهد شد. بنابراین با توجه به آنچه در دو سؤال قبلی و مطالب فوق بیان گردید، الگو یا چارچوب مفهومی پژوهش مطابق شکل (۱) خواهد بود:

شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش



### نتیجه‌گیری

از صدر اسلام تاکنون، تربیت مدیران لایق یکی از مهم‌ترین مبانی فکری و دغدغه‌های جهان اسلام بوده است. چنانچه مدیران اسلامی به درستی تربیت شوند و روش صحیح مدیریت را بیاموزند، بی‌تردید اهداف جامعه اسلامی محقق خواهد شد. از این‌رو با توجه به اینکه بصیرت موجب آگاهی، بینش و جهت‌گیری درست و منطقی در امور کاری مدیران اسلامی می‌گردد، نقش تربیتی آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

بنابراین، تربیت واقعی و شکوفایی استعداد‌های بالقوه انسان در مسیر کمال مقدر و شناخت و آگاهی مناسب نسبت به جایگاه الهی و واقعی وی، نیازمند نیرویی قوی و درونی به نام «بصیرت» است که قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشد و به مثابه محور رشد تربیتی او و همانند نورافکنی عمل می‌کند که راه درست را از نادرست متمایز می‌سازد. بر این اساس، لازم است انسان با دستیابی به عوامل ایجابی و پیش‌نیازهای کسب بصیرت (شامل عناصر و مؤلفه‌های آن)، مؤلفه‌های رکنی (از قبیل شناخت و ایمان که ماهیت بصیرت را شکل می‌دهند) و مؤلفه‌های شرطی (از قبیل تقوا و تشخیص مصداق حق که از شروط تحقق بصیرت بوده و نقش مکمل را برای مؤلفه‌های رکنی دارند)، همچنین منابع آن (که عبارتند از: قرآن، اهل‌بیت، عقل، تقوا، زهد، تفقه در دین، مشورت و عبرت از گذشتگان) در مسیر فرایند بصیرت‌آفرینی و بصیرت‌افزایی گام بردارد و با مبارزه و دفع عوامل سلبی بصیرت (موانع بصیرت که عبارتند از: غرور، کفر، رویگردانی از آیات الهی، تفکر نکردن، گناه، هواپرستی، نفاق، دنیاطلبی، غفلت، تدبیر نکردن و آرزوهای طولانی)، موجب ظهور آثار و پیامدهای بصیرت (که عبارتند از: ایمان، یقین، دانش، زیرکی، مدیریت و رهبری، هدایت، عبرت‌آموزی و عیب‌شناسی و ترک گناه) در خود می‌شود و به جایگاه انسان بصیر نائل می‌گردد.

در ادامه مسیر، انسان بصیر برای تبدیل شدن به مدیر بصیر یا به تعبیر دیگر، مدیر بصیرت‌محور و اعمال مدیریتی اسلامی، می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و وسایل مدیریت در اسلام (که عبارتند از: ویژگی‌ها و ظرفیت‌های درونی، قوانین و مقررات و نیروی انسانی) به مدیری لایق و بصیر، همراه با ویژگی‌های اسلامی تبدیل شود که مصداق بارز مدیریت اسلامی مبتنی بر تربیت بصیرت‌محور خواهد بود و ان‌شاءالله توانایی رساندن جامعه اسلامی به سرمنزل مقصود را نیز خواهد داشت.

## منابع

### قرآن کریم.

نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش.

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

ابن شعبه حرانی، حسین بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ایمانی فر، حمیدرضا، ۱۳۹۸، «تبیین رابطه بصیرت و تقوا از دیدگاه قرآن کریم»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، سال شانزدهم، ش ۴۸، ص ۹-۳۱.

باقری، خسرو، ۱۳۷۶، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.

بجاری، جعفر و همکاران، ۱۳۹۴، «تأثیر بصیرت در تربیت دینی از دیدگاه قرآن»، در: *اولین همایش ملی تربیت دینی راهی به سوی تعالی*، یزد، میبد.

برهان، مهدی، ۱۳۹۰، «شاخص‌ها و مؤلفه‌های بصیرت سیاسی»، *معرفت سیاسی*، سال سوم، ش ۱، ص ۶۵-۹۰.

بستان پیرا، نسرین، ۱۳۹۳، «پرسی رابطه بصیرت و آرامش در تربیت اسلامی»، در: *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری*، تهران.

ترک‌زاده، ج، ۱۳۸۸، «روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پربعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی»، *روشن‌شناسی علوم انسانی*، سال پانزدهم، ش ۶۱، ص ۱۲۳-۱۴۲.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غررالحکم و دررالکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی، مریم و زینب غدیری بیدهندی، ۱۳۹۵، «آموزش بصیرت و کاربرد آن در هوش معنوی با تأکید به نظریه اسلامی»، در: *دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران*، تهران.

چناری، علیرضا و صدف پورمنصف، ۱۳۹۳، «نقش بصیرت در مدیریت اسلامی»، در: *سومین همایش علوم مدیریت نوین ایران*، گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی علی‌آباد کتول.

حسین‌زاده، جواد و سیاوش پوریوسف، ۱۳۹۴، «بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۲۶، ص ۶۹-۱۰۲.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷، *سیری در تربیت اسلامی*، چ سوم، تهران، ذکر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۶، *مفردات الفاظ قرآن*، قم، حیدری.

رشید گرگوه، علی اصغر، ۱۳۸۰، *سلوک مدیریت از دیدگاه امیرالمؤمنین*، تهران، کانون تبلیغات ساحل هنر.

رهبان، عباسعلی و محمد ربانی‌نیا، ۱۳۹۲، «مهم‌ترین عوامل سلبی و ایجابی بصیرت در نهج البلاغه»، *سپهر سیاست*، سال اول، ش ۱، ص ۱۶۹-۲۰۵.

سعیدی شاهرودی، علی، ۱۳۸۸، *حاکمیت دینی*، قم، زمزم هدایت.

شکوهی، غلامحسین، ۱۳۸۱، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، آستان قدس رضوی.

صدری افشاری، غلامحسین، ۱۳۸۷، *فرهنگ معاصر فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۸۵، *من لا یحضر الفقیه*، ترجمه محمدجواد غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طاهری، رباب و پروین حسن‌زاده، ۱۳۹۴، «عوامل و موانع بصیرت در نهج البلاغه»، در: *دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی*، اردبیل. طوسی، نصیرالدین، ۱۳۵۶، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.

قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

لیثی واسطی، علی، ۱۳۷۷، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، *بحار الانوار*، تحقیق و تعلیق سیدجواد علوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.

مرزوقی، رحمت‌الله و مهدی امیری، ۱۳۹۷، «دلالت‌های تربیتی فطرت در مدرسه موحدانه اسلامی»، *دستاوردهای نوین در مطالعات*

*علوم انسانی*، سال اول، ش ۹، ص ۱۲۱-۱۳۴.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ الف، *مبانی و اصول تعلیم و تربیت*، تهران، آوای نور.

\_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ ب، *نظریه‌های ساختاری در پارادایم تعلیم و تربیت اسلامی*، چ سوم، تهران، آوای نور.

مظفری، آیت، ۱۳۸۹، «مبانی بصیرت»، *حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۱، ص ۷۱-۹۰.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، چ سی و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نقی‌پورفر، ولی‌الله و همکاران، ۱۳۹۷، «تحلیل نظریه تسلیم مبتنی بر بصیرت در قرآن کریم و جایگاه آن در الگوی مطلوب فرماندهی»،

*بصیرت و تربیت اسلامی*، دوره پانزدهم، ش ۴۶، ص ۱۰۱-۱۲۵.

وفا، جعفر، ۱۳۸۸، «بصیرت از منظر نهج‌البلاغه»، *حصون*، ش ۲۲، ص ۱۱۳-۱۲۶.

Sarantakos, Sotirios, 1998, *Social Research*, Hampshire & London, Mac Millan Press Ltd.